

ده فرمان مالی اسلامی؛ تأملی بر برخی قواعد و اصول نظام مالی اسلامی بر اساس سیاست‌نامه نظام الملک (مقاله پژوهشی)

علی مشهدی*

ژاله غنی کله‌لو**

چکیده

سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی یکی از ارزشمندترین آثار سده پنجم زبان و ادبیات فارسی است که علاوه بر آنکه در ادبیات فارسی حائز اهمیت می‌باشد، در متون تاریخی حقوق عمومی نیز اهمیت فراوانی دارد. بخش‌هایی از این اثر، مرتبط با اصول و آیین ملک‌داری براساس شریعت است. با کنکاش در سیاست‌نامه با مفاهیم و نهادهایی مواجه می‌شویم که خواجه نظام‌الملک با برشمردن آن‌ها به عنوان مولفه‌های اثربخش در نظام مالی کشور، از مفاهیم و اصول موجود در نظام مالی اسلامی بهره می‌گیرد. مواردی مانند انصاف، شفافیت مالی، ممنوعیت غرر، ممنوعیت اکل مال به باطل، عدالت اقتصادی و امنیت اقتصادی از جمله‌ی این موارد است که نظام‌الملک با در نظر داشتن شریعت اسلامی، به تصویرسازی از یک نظام مالی اسلامی مطلوب پرداخته است. بنابراین، در این پژوهش سعی می‌کنیم با یک رویکرد تاریخی و با در پیش گرفتن روش توصیفی-تحلیلی، بخشی از اصول و قواعد مالی ملک‌داری از جمله سیاست‌های مالی مورد توجه خواجه نظام‌الملک در سیاست‌نامه را که براساس نظام مالی اسلامی است، مورد ارزیابی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: خواجه نظام‌الملک طوسی، تاریخ حقوق مالی، سیاست‌نامه، نظام مالی اسلامی، سیاست مالی

* دانشیار گروه حقوق عمومی دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) droitenviro@gmail.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه قم، قم، ایران zhaleghani69@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

۱. مقدمه و بیان مسأله

دین اسلام داعیه‌دار ارائه‌ی الگویی متعالی در جهت رشد، پرورش و تکامل انسان در همه ابعاد زندگی است. یکی از اصلی‌ترین ابعاد زندگی بشر، حیات اجتماعی و اقتصادی است. نظام مالی در اسلام یا نظام مالی اسلامی بر پایه آن دسته از دستورات شریعت استواری یافته که در رابطه با امور مالی تعیین و تنظیم شده است. بر اساس دستورات اسلام همه شئون و روابط مالی باید به گونه‌ای تنظیم شود که نظام اقتصادی بتواند در جهت نیل به اهداف خود گام بردارد. به طور مثال، امنیت اقتصادی و عدالت اقتصادی از جمله اهداف کلان نظام مالی اسلامی می‌باشد که نقض آن‌ها در اسلام مذموم است. (نک: صادقی‌شاهدانی و محسنی، ۱۳۹۲: ۱۰) لذا در نظام مالی اسلامی قواعدی مورد توجه قرار می‌گیرند که از شریعت اخذ شده باشند.

امور مالی در طول تاریخ از جمله مسائل مهم کشورداری بوده‌است که سیاست‌های اخذ شده براساس آن تا حد بسیاری تأمین‌کننده آسایش یا تیره‌روزی مردم است. سلجوقیان را می‌توان یک نمونه از حکومت‌های کهن حاکم در سرزمین ایران به شمار آورد که به علت وجود تدابیر جدی در زمینه نظام مالی یکی از نظام‌های مالی در حال تکامل را در ساخت حکومتی خود پرورانده بودند. (نک: یعقوب زاده، ۱۳۹۲: ۵۶) و ربانی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۳۹) حکومت سلجوقیان که از نظر زمانی متقارن با حکومت عباسیان بود و بنا بر عقیده عده کثیری مشروعیت حکومت خویش را از عباسیان دریافت می‌نمود، پدر موارد بسیاری در دیوانسالاری عظیمی که از ایرانیان الهام گرفته بود شریعت اسلامی را سرلوحه خویش قرار می‌داد. همچنین بالارفتن این مشروعیت تا حدود زیادی وابسته به نقش وزیر کردانی چون نظام‌الملک بود. (Simidchieva, 2004, 97)

وزیر سلجوقیان خواجه نظام‌الملک طوسی یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان اندیشه سیاسی ایرانی در دوره اسلامی و از بزرگ‌ترین کارگزاران حکومتی در ایران به شمار می‌آید. او با درایت شخصی خود و کفایت باعث شکل‌گیری نظام دیوانسالاری در ساختار حکومت شد. نظام‌الملک کتاب سیاست‌نامه را بنابر فرمان ملک‌شاه سلجوقی در سال ۴۸۴

هجری قمری به رشته تحریر درآورد. (نک: بهزادی، ۱۳۹۵: ۲۰-۱۶) نظام‌الملک در سیاست-نامه ضمن بیان شیوه‌های صحیح حکمرانی در خطاب به فرمانروا، در مباحث متعدد به بیان شیوه‌های صحیح در اتخاذ سیاست‌های مالی می‌پردازد که از یک سو موجب قوتِ مُلک و فزونیِ قدرتِ مُلک و از سوی دیگر زمینه‌ساز آسودگیِ خاطر مردم می‌شود؛ و با به‌کارگیری این موارد است که می‌توان رد پای نظام مالی اسلامی را در اندیشه‌های وی دریافت. «مباحثی هم چون آبادانی کشور، تربیت و آموزش کادر مورد نیاز اداره امور جامعه و سرانجام آنچه امروز تحت عنوان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ادارک می‌کنیم در تفکرات این سیاستمدار صاحب نام دیده می‌شود». (حمیدیان و شکاری، ۱۳۹۶)

با تعمق در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی با برخی از اصول و قواعد نظام مالی اسلامی روبرو می‌شویم که در برخی از موارد با ارجاع صریح به آیات قرآنی یا شریعت اسلامی که مبنای اصول و مفاهیم یاد شده هستند، به ترسیم الگوی مالی مورد نظر خود می‌پردازد؛ گاهی نیز بدون اشاره صریح به مبنای شرعی مفاهیم و اصول یاد شده، به نوعی وضع قاعده می‌نماید و سلطان را در به‌کارگیری آن‌ها تشویق می‌نماید. ضمن آن که هدف پژوهش حاضر، شناسایی آن دسته از مفاهیم و اصول نظام مالی اسلامی است که نظام‌الملک در سیاست‌نامه بدان پرداخته است. به عبارت دیگر، این پژوهش در پی اثبات فردِ فردِ مبانیِ اسلامیِ اصول و مفاهیم مالی به کار برده شده در سیاست‌نامه نیست بلکه آنچه مقصود و غایت نهایی پژوهش است شناساندن ظرفیت عمیق سیاست‌نامه در به تصویر کشیدن نظام مالی اسلامی می‌باشد. بدیهی است با توجه به عمومیت داشتن قواعد، اصول و نهادهای نظام مالی اسلامی، نمی‌توان از اثر وزیر ایرانی متوقع بازگویی کلیه جنبه-های نظام مالی اسلامی بود؛ با در نظر داشتن این مهم که هدف نظام‌الملک از تقریر سیاست-نامه بیان توصیه‌هایی در باب ملک‌داری است که با توجه به گستردگی حوزه‌ی حکمرانی، قاعدتاً نظام مالی اسلامی تنها بخشی از این اثر و الگوی مورد نظر نظام‌الملکبه شمار می‌رود. در نهایت، تجلی اصول و قواعد نظام مالی اسلامی در سیاست‌نامه، که از یافته‌های پژوهش است، مثبت مدعای این پژوهش در جایگاه نظام مالی اسلامی در سیاست‌نامه خواهد بود.

با توجه به مباحث مطرح شده، پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی و با کنکاش در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک در پی کشف مفاهیم، اصول و نهادهای نظام مالی اسلامی است که در سیاست‌نامه نظام الملک مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ که در ده بند جداگانه و در قالب تعبیر «ده فرمان^۱ مالی اسلامی» به تحلیل و بررسی این موارد پرداخته شده است.

۲. تحلیل و بررسی

- انصاف در امور مالی

نخستین اصل مهم انصاف است. انصاف یکی از وجوه تمایز نظام مالی اسلامی است که نقش محوری در پیاده‌سازی عدالت و در نهایت پیشرفت پایدار در جامعه دارد. در واقع انصاف را در حوزه مالی اسلامی می‌توان ترجمان دیگری از عدل و روحیه برادری عنوان نمود. (صادقی‌شاهدانی و محسنی، ۱۳۹۲: ۱۵) قرآن کریم در آیه ۹۰ سوره نحل می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد، و از گناهان بسیار زشت و عمل‌های ناپسند و تعدی و تجاوز بازمی‌دارد، شما را پند می‌دهد، باشد که تذکر می‌یابید».^۲ دستور خداوند بر رعایت عدل و احسان شامل همه ابعاد زندگی بشر از جمله اقتصاد و نظام مالی است. بدین ترتیب در کل جامعه انسانی این دو حالت باید حاکم باشد در غیراین صورت جامعه سالمی نخواهد بود. (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۲:

ج ۳۳۸/۱۱)

خواجه‌نظام‌الملک به این اصل اینچنین اشاره می‌نماید: «میانہ رفتن پادشاه در معنی مال دنیا و در کارها چنان است که در هر حال منصف باشد و بر عادت قدیم و آیین ملکان نیک

^۱تضمینی است از «ده فرمان» حضرت موسی(ع) به قوم خویش، که شامل دستورات مذهبی است که در کوه سینا

بر حضرت موسی نازل شد. (افشار، ۱۳۹۲، ۲۵)

^۲ترجمه از ناصر مکارم شیرازی

بروند و سنت بد نهند و ببدعت رضا ندهند. «خواجه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۳۲۹) خواجه در بیان فوایدی که بر رعایت/انصاف از سوی پادشاه مترتب می‌شود به مانند غالب موارد ذکر شده در سیاست‌نامه؛ با یاد نمودن از پادشاهان گذشته که به نیک‌نامی شهرت دارند، پادشاه را توصیه به در پیش گرفتن رویه‌ای مشابه با آنان می‌نماید. به طور مثال، در رابطه با حق دادخواهی از پادشاهان فارس زبانی یاد می‌کند که در جهت استماع شکایات مردم، سکویی را می‌ساختند و مردم را برای تظلم‌خواهی فرا می‌خواندند: «و چنان خواندم از کتب پیشینیان که بیشتر از ملوک عجم دوکانی بلند بساختندی و بر پشت اسب بر آنجا بایستاندی تا متظلمان در آن صحرا گرد شده بودندی همه را بدیدندی و داد هر یک بدادندی». (همان، ۱۸) لذا این شیوه به کرات در سیاست‌نامه مورد استفاده نظام‌الملک قرار می‌گیرد. از نظر نظام‌الملک پادشاه اگر در رابطه با نظام مالی جانب انصاف و بی‌طرفی را نگه بدارد سنت پسندیده‌ای را رواج می‌دهد و برای آیندگان به ارث می‌گذارد.

- شفافیت مالی

یکی از مفاهیم مهم و از مولفه‌های حکمرانی خوب مفهوم «شفافیت» است. (Bovens, 2014: 12) شفافیت بدان معناست که اطلاعات به طور آزادانه و به طور مستقیم برای کسانی که متاثر از چنین تصمیمات و تکلیف آن‌ها هستند در دسترس خواهد بود. شفافیت مالی منجر به جلوگیری از بروز تخلفات مالی در سطوح مختلف اقتصادی و مصادیق متعدد معاملات غرری در جامعه می‌شود و این امر یکی از شاخص‌های ممتاز و متمایز کننده نظام مالی اسلامی در قبال نظام مالی متعارف است. (صادقی شاهدانی؛ محسنی، ۱۳۹۲: ۱۳) آیه ۲۸۲ سوره بقره نیز به این اصل مهم در نظام مالی اسلامی اشاره می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايْتُمْ بَدْيِينَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ...وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا...». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدت‌داری (به خاطر وام یا دادوستد) پیدا کنید آن را بنویسید. باید نویسنده‌ای از روی

عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد و آن کس که حق برعهده اوست، باید املا کند و از نوشتن (بدهی) چه کوچک باشد یا بزرگ ملول نشوید...»^۳

نظام‌الملک نیز در سیاست‌نامه این اصل مهم در نظام مالی اسلامی را متذکر می‌شود: «حساب مال ولایت‌ها که می‌نویسند و مجموع و خرج پدید می‌آرند فایده این آن است که خرج‌ها را تأملی شافی کرده شود، آنچه روا بود که از او بیفکنند و ندهند قلم بر نهند و اگر در مجموعات گوینده‌ای را سخنی باشد و توفیری نماید سخنش بشنوند و چون آنچه گوید بر حقیقتی باشد طلب آن مال کنند تا اگر صورت خللی و تضییع مالی بسته است بدین سبب زایل گردد و از احوال پس از این هیچ پوشیده نماند». (خواجسته نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۳۲۹) شفافیت مالی کمک می‌کند تا اطمینان به دست آید که دولت‌ها زمانی که تصمیم‌های اقتصادی می‌گیرند، تصویر دقیقی از امور مالی خود از جمله مخارج و منافع تغییرات سیاست در امور مالی عمومی را دارند. (مکرمی، ۱۳۹۴: ۶)

در عصر سلجوقیان به منظور انجام این امور و نیز نظارت بر هزینه‌ها و مصرف درآمدها دیوان استیفا پیش‌بینی شده بود و بدین منظور برخی را به عنوان مستوفی به ولایات مختلف می‌گماشت تا علاوه بر جمع‌آوری خراج بر امور مالی ولایات نیز نظارت داشته باشد. (انوری، ۱۳۵۲: ۵۰-۲۹) نظام‌الملک در عبارات مورد اشاره، به لزوم مرقوم نمودن حساب مالی ولایت‌ها و نیز روشن ساختن میزان درآمد کل و هزینه‌ها اذعان می‌دارد. وی براین باور است که در تنظیم صورت‌حساب‌ها و رسیدگی به خزانه، بایستی درآمدها و هزینه‌ها به تفکیک نگاشته شود تا علاوه بر واضح بودن حساب خزانه برای همگان، بتوان به عنوان سنجه‌ای در رفع اختلاف میان عده‌ای ادعایی که مبنی بر مغایرت وجه پرداختی از سوی خود و ادعای مودیان در واریز وجه به خزانه دارند به کار برد. لذا نظام‌الملک اعتقاد بر این دارد که شفافیت مالی اگر از ابتدا در دستور کار خزانه و دیوان استیفا قرار بگیرد از بروز مشکلات بعدی جلوگیری به عمل می‌آورد.

^۳. ترجمه از ناصر مکارم شیرازی

نظام‌الملک در قسمتی دیگر از سیاست‌نامه به لزوم شفافیت مالی در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان لشکری می‌پردازد که دارای نقش گسترده‌ای در دیوانسالاری سلجوقیان هستند و بخش عظیمی از درآمدهای موجود در خزانه در جهت پرداخت حقوق و مزایای کارگزاران دولتی به آنان اختصاص می‌یابد: «لشکر را مال روشن باید کرد. آنچه اهل اقطاع‌اند اندر دست ایشان مطلق و مقرر باید داشت و آنچه غلامان‌اند که اقطاع‌داری را نشایند مال ایشان پدیدار باید آورد. چون اندازه آن پدید آید که چندین است وجه آن نباید ساخت». (خواججه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۱۳۴) علاوه بر آن که عنوان فصل مزبور به بحث شفافیت مالی اشاره دارد؛ نظام‌الملک مقرر می‌دارد که میزان وجه پرداختی به کارکنان لشکری بایستی روشن و شفاف باشد.

- ممنوعیت اکل مال به باطل

یکی از ضوابط نظام‌مالی اسلامی ممنوعیت اکل مال به باطل است؛ بدان معنا که تصرف در اموال مردم بر وجه باطل حرام و ممنوع است. بنابراین هر نوع تجاوز، تقلب، غش، دزدی، رشوه، اخذ به زور و امثال آنها که از نظر عرف و عقلا گرفتن مال از طریق آنها باطل است و هر نوع معامله چون خرید و فروش، اجاره، صلح بر اشیایی که منفعت عقلایی ندارند، معاملات بر ذمه‌ای که به دید عقلا توان پرداخت آنها نیست و بلاوجه می‌باشند، از نظر اسلام، همگی اکل مال به باطل و حرام می‌باشند. (اسماعیلی، ۱۳۷۳: ۱۴۳) آیه ۲۹ سوره نساء در این رابطه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل (از راه نامشروع) مخورید مگر آنکه تجارتي از روی رضایت میان شما انجام یابد...»^۴ آیه در واقع زیربنای قوانین اسلامی را در مسائل مربوط به «معاملات و مبادلات مالی» تشکیل می‌دهد و به همین دلیل فقهای اسلام در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ج ۴/۳۵۵)

^۴ ترجمه ناصر مکارم شیرازی

در اشاره ضمنی به ممنوعیت اکل مال به باطل، نظام الملک یکی از دلایل اخذ رشوه و خیانت در اموال دولتی توسط کارگزاران را پرداخت نامناسب دستمزد ایشان می‌داند. در خصوص مقام مشرف که وظیفه نظارت و بازرسی مالی را برعهده دارد عنوان می‌دارد که حق و دستمزد متناسب با شغل باید به او پرداخت گردد تا در پی خیانت و یا اخذ رشوه نباشد. «و آنچه ایشان را به کار آید از بیت المال بدهند تا ایشان را به خیانت کردن و رشوت ستدن حاجت نیفتد و آن فایده که از راستی کردن ایشان حاصل شود ده‌چندان و صدچندان مال باشد که بدیشان دهند به وقت ایشان» (خواججه نظام الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۷۳) چرا که اگر دستمزد متناسب با خدمت به شخص در موعد معین پرداخت شود حاصله از خدمت شایسته کارگزار برای حکومت به مراتب بیشتر از مقداری است که از خزانه بابت پرداخت دستمزد کسر شده است؛ از سوی دیگر اقدام مهم در جهت کنترل فساد در دستگاه اداری است. (See: Jafrai, 1992, 309) خواججه با بحث در خصوص کارگزاران و امکان اخذ رشوه توسط آنان، به فساد اداری در لایه‌های پایین دستگاه اداری اشاره می‌نماید. (حاج بابایی و شهیندی، ۱۳۹۱، ۷۵-۵۹)

در سیاست‌نامه این گونه آمده است که قاضی شهری که به انصاف و عدالت شهرت داشته است با تزییع حق شخصی اموال وی را به ناروا صاحب می‌شود، شخص یاد شده در پی تلاش بسیار و عدم کسب اموال خویش، چاره را در رفتن به شهری دیگر و یافتن قاضی منصف می‌یابد؛ این اقدام قاضی به سمع حاکم می‌رسد: «که خدای عزوجل این مرزبانی مرا به سوی آن داده است تا مرزها را نگاه دارم و نگذارم که کسی را رنج یا زیانی رسد از کسی، بلکه از قاضی، که من او را بر خون و اموال مسلمانان گذاشته‌ام و گماشته و اجرا و مشاهره او می‌دهم تا او به راستی شغل مردمان می‌گذارد به حکم شرع و میل و محابا نکند و رشوتی نستاند». (خواججه نظام الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۱۰۶)

قضاوت یکی از نهادهای اساسی در ساختار حکومت اسلامی به شمار می‌آید، از آن روی که حافظ و امانت‌دار اموال و حیثیت و جان مردم است. نظام الملک با بیان این توصیف در شأن قاضی، درصدد تأکید بر جایگاه مهم مقام قضاوت در ساختار حکومت و

ضرورت برحذر داشتن وی از خیانت بر اموال مردم (به طور خاص در این حکایت که قاضی در مظان اتهام به تصرف ناحق و ناروا در اموال دیگری قرار گرفته است) و اخذ رشوه برمی‌آید که به مناسبت شغل وی رخ می‌دهد.

نظام‌الملک در عباراتی دیگر در خصوص ممنوعیت اکل مال به باطل، دخل و تصرف در اموالی که به خزانه وارد می‌شود را تا پیش از فرا رسیدن موعد هزینه‌کردن ممنوع می‌داند: «و هر مالی که آن در وجه خزانه نهادنده بودی از دخل ولایت هرگز آن را تحویل و تبدیل نکردندی تا اخراجات به وقت خویش می‌رسیدی و در صلوات و مرسومات تقصیر و تأخیر نیفتادی و همیشه خزانه آبادان بودی». (خواججه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۳۲۲) در واقع خواجه نه تنها تصرف در اموال مردم توسط نهادهای حکومتی در جهت استفاده شخصی خویش را مغایر با شریعت اسلام می‌داند، بلکه تحویل پیش از موعد آن برای مصرف در محلی که از قبل در لیست هزینه‌ها پیش‌بینی شده است را نیز به منزله تصرف ناروا در اموال می‌داند؛ علاوه بر آن که تبدیل وجه نقد به غیر نقد و بالعکس را نیز در زمره اقداماتی می‌داند که مجاز نیست.

- ممنوعیت غرر در معاملات

در حقوق اسلامی یکی از اصول نظام مالی اسلامی، ممنوعیت غرر در معاملات است. در معنای لغوی، واژه غرر در مفهوم «خطر»، «در معرض نابودی قرار دادن»، و نیز «خدعه» و «جهل» به کار رفته است. در لغت نامه دهخدا آمده است که غرر «چیزی است که ظاهرش مشتری را گول زند و باطن آن مجهول باشد، و گفته‌اند آن است که بدون تعهد و ثقت باشد». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۶۶) اکثریت فقیهان امامیه، غرر را معادل با هر نوع ابهام، جهل یا عدم اطمینانی در ارکان یک قرارداد می‌دانند که زمینه‌ساز ایجاد خطر برای طرفین معامله گردد. اما در آثار حقوقی بدون ارائه تعریف مشخص از غرر، صرفاً به مصادیق معاملات غرری اشاره شده است (موسوی و ریسی، ۱۳۹۷: ۲۳۱) قانون مدنی نیز بدون ارائه تعریف، در برخی از مواد همچون ماده ۳۴۸ تلویحاً بر بطلان معاملات غرری حکم نموده است.

ده فرمان مالی اسلامی؛ تأملی بر برخی قواعد و اصول نظام مالی اسلامی بر اساس؛ مشهدی و غنی کله‌لو ۳۰۱

نظام‌الملک در بیان ضرورت وجود نهاد محتسب که نهادی اسلامی در زمینه امور مالی است، یکی از وظایف محتسب را نظارت بر کم‌فروشی می‌داند که یکی از مصادیق غرر در معاملات است. «و همچنین به هر شهری محتسبی باید گماشت تا ترازوها و نرخ‌ها راست می‌دارد و خرید و فروخت‌ها می‌داند تا اندر آن راستی رود، و هر متاعی که از اطراف آرند و در بازارها فروشند احتیاط تمام کند تا غشی و خیانتی نکنند و سنگ‌ها راست دارند». (خواججه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۶۰) حفاظت از حقوق مردم در مقابل عده‌ای که از طریق کم‌فروشی یا گران‌فروشی سبب ورود ضرر به مردم می‌شوند و نیز لزوم توجه به بازار خواججه نظام‌الملک را وادار می‌سازد تا یک فصل از کتاب خویش را به معاملات منعقدہ میان مردم و نظارت بر آنان اختصاص دهد.

- تکیه بر منابع مالی ارضی

خداوند متعال در نظام مالی اسلامی برای حکومت و اداره حکومت اسلامی منابعی همچون خمس، زکات، انفاق و غیره قرار داده (خزایی و یزدان‌پور، ۱۳۹۴: ۱۱) که حکومت اسلامی همواره در طول تاریخ به عنوان منابع مالی به آن تکیه نموده است. از جمله امکانات مالی حکومت‌های اسلامی طی قرون متمادی خراج است که همواره از اصلی‌ترین مخزن‌های تامین منابع مالی موردنیاز حکومت‌ها بوده است.

عایدات دولت در سده‌های نخستین اسلامی بیشتر از محل خرج تأمین می‌شد. در زمان سلجوقیان نیز این قاعده برقرار بود، ولی در این زمان بودجه و یا طرح مفصل عایدات وجود نداشت که بتوان میزان خراج را در کل عایدات دولت تعیین کرد. (لمبتن، ۱۳۹۶: ۲۰۱) در زمان سلجوقیان و به‌طور کلی در دوره اسلامی اراضی و درآمد حاصل از آن‌ها اهمیت ویژه‌ای داشت لذا به اراضی توجه خاصی مبذول داشتند. از طرف دیگر قاعده کلی حاکم این بود که کلیه اراضی به امت اسلامی تعلق دارد و تحت نظر حاکم است. (نک: همان: ۱۱۰)

با تضعیف خلافت تلویحاً پذیرفته‌شد که مالکیت اراضی متعلق به امام و جامعه اسلامی به مالکیت سلطان درآید؛ و همین مسئله گام کوچکی بود به‌سوی پذیرش این امر

که مالکیت نهایی تمام اراضی بایستی به سلطان واگذار گردد. (فیض‌آبادی، ۱۳۹۱، ۷۸) نظام-الملک این مسئله را با عبارت روشنی بیان کرده است: «ملک و رعیت همه سلطان راست» (خواججه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۴۳) در اواسط سده ششم مفهوم سلطان به عنوان مالک غایی زمین گسترش زیادی یافت. قائل شدن به چنین حقی برای شخص حاکم چه به شکل فرضی و چه واقعی، همه سرزمین‌ها و رعایا را به یکسان در عرصه اعمال مالکیت و حق بهره‌برداری اقتصادی شخص سلطان قرار می‌داد. (صدقی، ۱۳۸۷: ۳۴)

با اینکه در عصر سلجوقیان منابع درآمدی دولت انواع مالیات‌ها است، نظام‌الملک در سیاست‌نامه تنها از خراج آن‌هم به طور مختصر یاد می‌کند؛ لذا بنابر شیوه مطالعاتی این پژوهش که با تکیه بر متن سیاست‌نامه نگارش می‌یابد تنها به ذکر این مختصر اکتفا می‌شود. نظام‌الملک در عباراتی در خطاب به سلطان بیان می‌دارد: «ترا فرمودیم که ارزاق مردمان به وقت خویش می‌رسان و از عمارت ولایت فارغ مباش و از رعیت جز خراج حق مستان و خزانه را به ذخیره آبادان دار». (خواججه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۴۱) این سخن نظام‌الملک مثبت‌ظلمی است که در طول قرون با اخذ مالیات‌های ناروا و به ناحق توسط حاکم بر مردم روا شده است.

از دیگر منابع مالی دوره سلجوقیان و حکومت عباسیان اقطاع بود که نظام‌الملک در سیاست‌نامه بدان پرداخته است. اقطاع در عصر سلجوقیان، نشانگر زمین‌هایی بود که از سوی حکومت مرکزی به افراد نظامی، دیوانی و لشکری در قبال کارهای دیوانی اعطا می‌شد. اقطاع از نهادهای اقتصاد اسلامی است که نخستین بار در صدر اسلام و توسط حضرت محمد(ص) بنا نهاده شد. بنا به اجماع فقهای امامیه و اهل تسنن، اقطاع پیامبر اکرم(ص) جائز است و بر این اساس فقها و بزرگان شیعه نیز به اقطاع پیامبر اشاره نموده‌اند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲) پس از رسول خدا(ص) نیز اقطاع ادامه یافت. وزیر در حکومت-های اسلامی علی‌رغم اختیارات گسترده خود در واگذاری زمین‌ها و اقطاع نقش چندانی نداشت؛ «با این حال نظام‌الملک در اوج قدرت خود بر واگذاری اقطاع تاثیر گذار بود و از این جهت اغلب مستقل از سلطان عمل می‌کرد.» (کلونز، ۱۳۶۳: ۵۴ و ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۹۸)

ده فرمان مالی اسلامی؛ تأملی بر برخی قواعد و اصول نظام مالی اسلامی بر اساس؛ مشهدی و غنی کلهو ۳۰۳

نظام‌الملک با اقطاع و واگذاری اراضی مخالفت می‌ورزید و این خود از جمله دلایلی است که موجب می‌شود در توصیه‌های خویش به سلطان به بحث اقطاع به طور مختصر و گذرا بپردازد. نظام‌الملک با مقایسه این شیوه با رویه‌ای که پادشاهان سابق در پیش می‌گرفتند روشی جایگزین ارائه می‌دهد: «و ترتیب پادشاهان قدیم چنان بوده‌است که اقطاع ندادندی و هر کسی را بر اندازه ایشان در سالی چهار بار موجب ایشان از خزانه نقد بدادندی و ایشان پیوسته با برگ و نوا بودندی...» به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی نظام-الملک در ارائه روش جایگزین، آشفتگی وضعیت نظام اقطاع و واگذاری اراضی در دوره سلجوقیان بوده است؛ چنانکه در قسمتی دیگر از سیاست‌نامه از ستمی که از سوی مقطعان بر رعیت می‌رود سخن می‌گوید: «و ایشان را به حقیقت بباید دانست که ملک و رعیت همه سلطان راست، مقطعان بر سر ایشان و والیان همچون شحنه‌ای‌اند. با رعیت همچنان روند که پادشاه با دیگر رعایا؛ تا پسندیده باشد و از عقوبت پادشاه و عذاب آخرت ایمن باشند.» (خواججه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۴۳)

باین‌حال نظام‌الملک سازکارهایی در رابطه با اقطاع و نظارت بر آن را پیش‌بینی می‌نماید. نظام‌الملک با توجه به استقلال عمل خود از سلطان در رابطه با امور اقطاع و مقطعان، تاثیر بسیاری در سامان بخشیدن نظام اقطاع در عصر سلجوقیان داشته است. بر همین اساس درصدد است تا با کاهش زمان تصدی عمال و مقطعان از قدرت گرفتن زیاده از حد آنان و نیز ظلمی که بر رعیت روا می‌دارند، جلوگیری نماید: «و هر دو سه سالی عمال و مقطعان را ابدل باید کرد تا ایشان پای سخت نکنند و حضی نسازند و دل‌مشغولی ندهند و با رعایا نیکو روند و ولایات آبادان بماند.» (همان، ۲۳۵) اعتقاد نظام‌الملک بر خارج نمودن زمین از اختیار مقطعان در صورت عدم انجام صحیح و شایسته وظایف خویش، شیوه‌ای در کاستن اختیارات مقطعان و نیز افزایش قدرت سلطان است. (Siddiqi, 1982:

14)

نظام‌الملک در عباراتی دیگر صحبت از بازرسانی به میان می‌آورد که به صورت پنهانی و در خفا برای نظارت بر مقطعان به شهرها و روستاهای مختلف مأموریت می‌یابند و

بدین صورت پادشاه را از راستی یا ناراستی اعمال آنان آگاه می‌سازند: «اگر از هر ناحیتی و رعیتی نشان بیرانی و پراکندگی دهند و گمان چنان افتد که مگر گویندگان صاحب غرض - اند ناگاه یکی را از خواص که کسی را گمان نیفتد که او را به چه شغل فرستند نامزد باید کرد و به بهانه‌ای آنجا فرستاد تا یک ماهی در آن ناحیت بگردد و حال شهر و روستا و آبادانی و بیرانی ببیند و از هر کس آنچه می‌گویند در معنی مقطع و عامل بشنود و خبر حقیقت بازآرد که گماشتگان عذر و بهانه این می‌آورند که ما را خصمانند». (خواجسته نظام - الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۱۷۷) در نتیجه‌ی اتخاذ چنین تدبیری، از خروج مقطعان و کارگزاران از اختیارات خودشان در اخذ مال مردم به ناحق و ناروا ممانعت به عمل می‌آید.

- عدالت اقتصادی

یکی از مصادیق عدالت نحوه صحیح توزیع عوامل تولید و درآمد ناشی از تولید میان عوامل اقتصادی و آحاد جامعه است. نقش دولت اسلامی در تحقق عدالت اقتصادی، پیگیری مصالح مردم و سامان بخشیدن به امور جامعه است. (متفکر آزاد و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۷۸ و ۲۷۹) از سوی دیگر، عنوان عدالت یکی از خواسته‌ها و آرمان‌های حقوق بشر است. عدالت، مفهومی اخلاقی است. تمام عواملی که در ایجاد اخلاق اجتماعی یک ملت موثر هستند، در به وجود آمدن عدالت هم تاثیر دارند، اعتقادات، عوامل اقتصادی، اجتماعی و غیره همه در شکل گرفتن یک امر عمومی که اخلاق عمومی را می‌سازد موثر هستند و بنابراین همگی در عدالت هم موثر می‌شوند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۳۱) بنابراین بایستی به عدالت در حوزه اقتصاد و نظام مالی نیز مانند سایر عرصه‌های حکومتی نیز توجه ویژه‌ای مبذول داشت.

در رابطه با اندیشه قدیم ایران نیز، عدالت یکی از پایه‌های اصلی پادشاهی و از صفات پادشاهان دوره اسلامی است. (یوسفی‌راد، ۱۳۸۳: ۱۲۸-۱۲۷) در اسلام دوره میانه، عدالت دنیوی سلطان همواره در مقایسه با عدالت خداوند سنجیده می‌شد. (Lange, 2011: 132) رعایت عدالت در میان رعایا، پایه‌های قدرت حکومت را محکم می‌کند و این دور تا زمانی که عدالت ادامه داشته باشد همچنان خواهد چرخید. این برداشت از

ده فرمان مالی اسلامی؛ تأملی بر برخی قواعد و اصول نظام مالی اسلامی بر اساس؛ مشهدی و غنی کله‌لو ۳۰۵

عدالت، مفهوم باستانی ایرانی دیگری است که در آثار اسلامی ظاهر و به «دایره قدرت» یا «چرخه عدالت» مشهور گشت. چرخه عدالت، یکی از مقبول‌ترین پندهایی بود که به فرمانروایان بعضاً ستمگر برای اجرای عدالت و دوری از ظلم و ستم تذکر داده می‌شد تا از ظلم و ستم آنان بر رعایا جلوگیری نمایند، با استناد به این که اگر عدل بورزند مال بیش‌تری به دست می‌آوردند و حکومت مستحکم‌تری خواهند داشت و اگر ظلم کنند نه تنها مالشان کاسته خواهد شد بلکه حکومتشان رو به زوال خواهد رفت. (دلیر، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

چرخه عدالت، شیوه ایجاد یک حکومت پایدار را نشان می‌دهد و بر ضرورت عدالت تأکید دارد. نظام‌الملک به این چرخه به صراحت اشاره نمی‌کند اما مفهوم آن در سراسر سیاست‌نامه ریشه دوانیده است. (Kusaki and Oyku, 2017: 132) به-طورمثال، در توصیف یک وزیر شایسته بیان می‌دارد که: «چون وزیر نیک‌روش باشد مملکت آبادان بود و لشکر و رعایا خشنود و آسوده و با پیرگ باشند و پادشاه فارغ دل، و چون بدروش باشد در مملکت آن خلل تولد کند که در نتوان یافت و همیشه پادشاه سرگردان و رنجور دل بود و ولایت مضطرب». (خواججه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۳۱)

از نظر نظام‌الملک، زیربنای مملکت‌داری عدالت است. (امیدسالار، ۱۳۷۳: ۵۸) بنابراین رعایت عدالت در اقتصاد و نظام مالی به عنوان یکی از ابعاد مهم زندگی جمعی و نیز کشورداری نیز ضروری است. نظام‌الملک به آن دسته از اصول برابری اسلامی معتقد بود که بنا بر آن، افراد داخل در حکومت اسلامی بدون توجه به شأن و منزلت و قدرتشان از فرصت‌های برابری با دیگران برخوردار باشند. به عقیده او، مساوات در فرصت‌های اقتصادی، شرط لازم دستیابی به برابری اجتماعی است و وظیفه حکومت این است که بار این مسئولیت را به دوش بکشد. همچنین کوشش‌های اقتصادی-اجتماعی انجام گرفته در این زمینه سبب مدیریت موثر زکات، افزایش چشمگیر اعانات و صدقات، ساخته شدن مهمان‌سراها و خانه‌های متعدد برای افراد فقیر جامعه و اشتغال افراد با توجه به ظرفیت و منافع حکومت خواهد شد. (غفاری و ابوالحسنی، ۱۳۸۹: ۶۷)

در اموال وقف و مصالح عامه، مردم مورد اعتماد می‌گماشت و در کارش کمال سختگیری به کار می‌برد. مأمور این‌گونه کار را از گناه می‌ترساند و پاداش ترغیب می‌نمود. نمی‌گذاشت نادرستان اموال اوقاف را بخورند. آن‌ها را به اشخاص امین و مورد اعتماد می‌سپرد. پادشاهان اطراف و امیران کشورها را موظف کرد که به خزانه سلطان در مقابل مصون بودن از تعرض بارهایی مالیات و خراج بفرستند. (بنداری اصفهانی: ۶۸-۶۷) پس از آن‌که خزینه‌ها و سپاه‌های زیاد فراهم آورد برای دانشمندان و شایستگان حقوقی تعیین کرد که تأخیر و تبدیل نمی‌شد. (بنداری اصفهانی: ۶۸) که این خود نشانگر اعتقاد خواجه بر لزوم رعایت عدالت در توزیع ثروت در میان جامعه است؛ طبق آن نخبگان و شایستگان بایستی دارای درآمد بیش‌تری نسبت به کسانی باشند که از این امتیازات بهره‌ای ندارند در نتیجه او در موارد بسیاری در سیاست‌نامه به توزیع عادلانه ثروت در مقابل توزیع برابر ثروت اشاره دارد.^۵

- امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی شرط تحقق نظام اقتصادی اسلام است کما اینکه نظام اقتصادی اسلامی بر سه اصل اساسی و مهم امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی و رشد و شکوفایی اقتصادی تأکید دارد. این سه اصل در نظام اقتصادی اسلام علاوه بر تأمین سطح معیشت مطلوب مردم زمینه‌های لازم برای رشد و تعالی انسان‌ها را برای رسیدن به کمال فراهم می‌کنند. مقصود از امنیت اقتصادی، ایجاد فضایی است که در آن سرمایه و سرمایه‌گذار، صنعت و صنعت‌گر، کار و کارگر و همه قشرها در برابر انواع فشارهایی که خارج از کنترل است، حفاظت می‌شوند و در جهت کار و تلاشی که برای شکوفایی اقتصاد انجام می‌دهند، احساس اطمینان و آرامش داشته باشند. (ایکنا) یکی از این موارد که موجب ایجاد احساس اطمینان

^۵ البته باید توجه داشت که مفهوم «عدالت» اقتصادی به معنای اعطای پاداش «برابر» به همگان، بدون توجه به نقش فرد در اقتصاد جامعه نیست. اسلام برخی تفاوت‌ها در درآمد و ثروت را می‌پذیرد؛ زیرا انسان‌ها از نظر شخصیت، توانایی و خدمت به جامعه برابر نیستند. (متفکر آزاد و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۸۰)

ده فرمان مالی اسلامی؛ تأملی بر برخی قواعد و اصول نظام مالی اسلامی بر اساس؛ مشهدی و غنی کلهو ۳۰۷

در سطح جامعه و در میان کارکنان می‌شود پرداخت به موقع و نیز نحوه پرداخت دستمزد افراد است. نظام‌الملک نیز در سیاست‌نامه بدین مسائل می‌پردازد.

از دیدگاه نظام‌الملک پرداخت دستمزد متناسب با خدمت سبب افزایش کارایی مستخدم است: «او را حشمتی تمام باید تا شغل تواند راند و کار او بنظام روان باشد.» (خواجیه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۱۰۵) علاوه بر این، نظام‌الملک قید می‌کند که تعیین حقوق و دستمزد متناسب برای پیک دولتی منجر به این می‌شود که کارگزار در شرایط سخت نیز در پی خدمت‌رسانی مطلوب خواهد بود: «به چند راه معروف، پیکان مرتب باید نشاند و مشاخره و مرسوم ایشان پدید کرد، که چون چنین باشد اندر شبانروزی از پنجاه فرسنگ هر خبری که می‌باید می‌رسد.» (همان، ۱۰۳)

نکته دیگری که نظام‌الملک در ارتباط با تعیین دستمزد بدان پرداخته است، نحوه پرداخت دستمزد به کارکنان لشکری است. او پرداخت دستمزد به کارکنان لشکری از سوی پادشاه، به صورت بلاواسطه و نه از طریق واریز به خزانه، را ستایش می‌کند و با سازکاری که ارائه می‌دهد حکمرانان را به اتخاذ چنین سیاستی رهنمون می‌سازد. به عقیده او پادشاه بایستی در هر یک سال، دو مرتبه با کارکنان لشکری ملاقات داشته باشد و دستمزد آنان را خود پرداخت نماید. با در پیش گرفتن این شیوه علاوه بر این که اتحاد و همدلی میان پادشاه و کارکنان زیاد می‌شود، موجب افزایش تعلق کارگزاران به شغل خویش و افزایش کارایی آن‌ها در انجام امور می‌شود. نظام‌الملک عنوان می‌دارد که: «و یا در سالی دو بار ایشان را پیش خویش باید خواند و بدیشان فرمایند رسانید؛ و نه چنان که حوالت کنند به خزانه، یا پادشاه را نادیده از آن‌جا بستانند. چه اولی‌تر آن باشد که پادشاه از دست خویش در دست و دامن ایشان کند. چه از آن مهتری و اتحادی در دل ایشان بروید، و به هنگام خدمت و کارزار سخت‌کوش‌تر باشند و ایستادگی کنند.» (همان، ۱۳۴)

یکی از موارد مهم در تحقق یافتن امنیت اقتصادی اصل حرمت و احترام مال در اسلام است که به موجب آن هیچ شخصی حق ندارد مال متعلق به دیگران را به ناروا

استعمال نماید. در رابطه با این وجه از امنیت اقتصادی و انعکاس آن در سیاست‌نامه در مبحث «ممنوعیت اکل مال به باطل» به بحث پرداختیم.

سیاست‌ها و موازین اقتصادی باید در چارچوب جامعی بررسی شوند که یکی از آن مسائل امنیت است. نظام‌الملک اهمیت این مسأله را به این صورت بیان می‌کند: «افزایش غیرضروری پست‌ها و مشاغل دولتی نه تنها بار خزانه دولتی را بیش‌تر می‌کند بلکه ضدکارایی نیز است. اگر افراد متعددی مأمور انجام یک وظیفه باشند به یکدیگر توطئه خواهند کرد که ای امر سبب به وجود آمدن مشکلاتی برای حکومت خواهد شد. پس بهتر است که تنش‌ها در ادارات دولتی کاهش یابد تا هیچ توطئه‌ای علیه حاکمیت صورت نگیرد و بالتبع جلوی دیگر مشکلات نیز گرفته شود.» (غفاری و ابوالحسنی، ۱۳۸۹: ۶۶) خواجه به درستی با انتخاب حکایت ملک عادل و داستان تظلم‌خواهی پیرزن از والی آذربایجان و ذکر داستان فروش مناصب و بسته بودن درگاه به روی ستمدیدگان به سلطان گوشزد می‌کند، کسی که این مناصب را به رشوه خریداری می‌کند از هیچ گونه ستمی نسبت به رعیت روی‌گردان نبوده و سلطان باید به آن‌ها بفهماند که تنها اوست که مالک این سرزمین است و کسی حق ظلم و ستم بر رعیت ایشان را ندارد. (صابری‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۹)

- گسترش آبادانی

آبادانی از جمله اهداف مهم اقتصادی در نظام‌های اسلامی به شمار رفته و به عنوان یک مسئولیت بسیار مهم برای حاکمان جوامع مسلمان تلقی می‌شود. (صادقی‌شهدانی و محسنی، ۱۳۹۲: ۳۲) نظام‌الملک در سیاست‌نامه در موارد بسیاری، از آبادانی ملک و مملکت یاد می‌کند و سلطان را مکلف به آن می‌داند. در اغلب این موارد ضمن توصیه به سلطان، نتیجه‌ی دوران‌دیشی سلطان را آبادانی می‌داند. در یکی از این نمونه‌ها، با بیان حکایتی عنوان می‌کند که حضرت موسی (ع) از خداوند خواستار به هلاکت رساندن فرعون می‌شود اما خداوند با برآورده نساختن خواسته او، علت را آبادانی مملکت و آسایش مردم عنوان می‌کند که از سخاوت فرعون در حق مردم حاصل شده است: «بعزت من که تا او نان و نعمت بر خلق تمام می‌دارد اگر او را هلاک کنم». (خواجه‌نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۱)

در فرهنگ اسلامی فرعون نماد تکبر، خودخواهی و سرکشی در مقابل خداست. (دانشنامه اسلامی)^۷ نظام الملک با تصویرسازی از یک واقعه دینی با قرار دادن فرعون که نماد کفر و عصیان در برابر خدا و به قطع سزاوار مرگ است، در مقابل کوشش‌های او در جهت تأمین آبادانی و رفاه مردم که شایسته تقدیر است از یک سو و تصمیم خداوند به انتخاب آبادانی مملکت و حفظ حیات فرعون از سوی دیگر؛ به سلطان گوشزد می‌کند که حکمرانی توام با دغدغه آبادانی مملکت نزد خداوند زینده‌تر از حکومت‌داری دینی است که سلطان در آن، رفاه مردم را در اولویت‌های خویش قرار نمی‌دهد و عامل تیره‌روزی مردم می‌شود.

- رفاه عمومی

رفاه عمومی، مهم‌ترین هدف هر نظام اقتصادی است. (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۶۳) رفاه اجتماعی همواره در طول تاریخ، مورد توجه بوده و با پیدایش و تکامل دولت به شکل امروزی آن، نظریه‌ها و مدل‌های رفاه اجتماعی ظهور و بروز یافته‌اند. رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که بهره‌مندی از حداقل‌های زندگی باکرامت را برای انسان تأمین می‌کند. در نگرش مادی به این مفهوم، مقوله رفاه اجتماعی برخوردار از حداقل استانداردهای زندگی و تحقق آن مستلزم توانایی مالی لازم جهت تأمین غذا و مشارکت در فعالیت‌های روزانه جامعه است. (نیاورانی و ایزدی، ۱۳۹۷: ۱۷۲ و ۱۷۵)

نظام الملک به صراحت یکی از وظایف دولت را تأمین خدمات عمومی و رفع نیازهای عمومی می‌داند و دولت را مجاز به دخالت مستقیم در امر اقتصاد به شمار می‌آورد: «در خبر است که فراخ داشتن نان و طعام بر خلق خدای عزوجل در بقای عمر و ملک و دولت بیفزاید» (خواججه نظام الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۱۳) از دیدگاه خواججه؛ غذا باید به مقدار کافی در دسترس باشد و دولت نیز موظف است غذای رایگان بین افراد نیازمند و فقیر جامعه توزیع کند. تولیدات کشاورزی نیز باید به مقداری باشد که هیچ کمبودی در تأمین مواد غذایی وجود نداشته باشد. انبارهای غله دولتی باید پر باشد تا در هنگام وقوع بلاهای طبیعی و یا

^۷<http://wiki.ahlolbait.com>

سالی که کشاورزی وضعیت مناسبی ندارد بتوان از این انبارها برداشت کرد. همچنین احتکار ضروریات مردم باید متوقف و محتکر جریمه شود و بالاخره ضروری است که بازار به گونه‌ای کنترل شود که منافع مصرف‌کنندگان تأمین شود. (غزالی، ۱۳۸۵: ۱۴۷)

در رابطه با تکلیف دولت بر تأمین خدمات عمومی، نظام‌الملک از انواع خدمات عمومی از جمله کندن جوی‌ها و پل‌ها تا ساختن و آبادان کردن شهرها و نیز ساخت مدرسه‌ها نام می‌برد که همگی تکلیف دولت به شمار می‌آیند: «و دیگر آنچه به عمارت جهان پیوندد از بیرون آوردن کاریزها و کندن جوی‌های معروف و پل‌ها کردن بر گذر آب-های عظیم و آبادان کردن دیه‌ها و مزرعه‌ها و برآوردن حصارها و ساختن شهرهای نو، برآوردن بناهای رفیع و نشست‌گاه‌های بدیع به جای آرد و بر شاه‌راه‌ها رباط‌ها فرماید کردن و مدرسه‌ها از جهت طالبان علم، تا نام آن همیشه او را بماند و ثواب آن مصالح بدان جهان او را حاصل بود و دعای خیر پیوسته گردد». (خواججه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۲)

نظام‌الملک علاوه بر آن که تأمین چنین خدماتی را جزو وظایف حتمی دولت به شمار می‌آورد، با توجه به علم وی بر اثرگذاری دین و معاد در سلطان؛ با پیوند دادن انجام این امور با نیک‌نامی این جهان و ثواب اخروی، سلطان را ترغیب به آن می‌کند؛ در واقع یادآوری رستاخیز و هولناک بودن عرصه محشر، شیوه متداول نظام‌الملک در رویارویی با سلطان است.

نظام‌الملک از گروهی از مردم یاد می‌کند که به علت بی‌توجهی پادشاه به امور مالی مردم، دچار ضعف مالی شده‌اند و در نهایت چاره را در تظلم‌خواهی از پادشاه یافته‌اند: «ما نیز رنج‌ها برده‌ایم و همه مسلمانان پاکیزه‌ایم و نصیب ما در بیت‌المال است و بیت‌المال بدست تست از بهر آن که تو کدخدای جهانی و امیر مومنانی. اگر مال مردمان است بما بر هزینه کن که ما مومنین و مستحقیم و ترا به حکم حافظ‌المالی... و هر روز از جهت شهوت و وظایف و راتب چندین هزار خرج می‌کنی و ما در نانی نمی‌رسیم و این عجیب‌تر که می‌پندارد که هر چه در بیت‌المال است مال اوست». (همان، ۱۹۱) نظام‌الملک درصدد بیان این امر است که اموال عمومی متعلق به مردم بوده و صرفاً به دلیل ولی‌امر بودن سلطان و از

باب حراست از اموال و فراهم ساختن رفاه و آبادانی سرزمین در اختیار او قرار گرفته است؛ لذا بایستی تأمین رفاه مردم را در اولویت خویش قرار دهد. «چون پادشاه وقت خدای ترس و عاقبت‌اندیش باشد بهمه حال عادل تواند بود و چون پادشاه چنین باشد گماشتگان و لشکر او همه چنین شوند و سیرت او گیرند. لاجرم خلق خدای در راحت افتد و ثمرت این به هر دو جهان بیابد ان شاءالله تعالی». (همان، ۲۰۰-۱۹۹) نظام‌الملک با اعتقاد بر در رأس امور قرار گرفتن سلطان، بر این باور است که سلطان بایستی در اداره اموال عمومی جانب انصاف و احتیاط را نگه بدارد، کلیه فعالیت‌های دولت را در جهت فراهم ساختن رفاه مردم تنظیم کند و به عنوان یک غایت مهم بدان بنگرد. در نتیجه‌ی این اقدام شایسته‌ی سلطان به علت نظم سلسله مراتبی و پیوستگی موجود میان بافت‌های مختلف حکومت، سایر کارگزاران نیز خود را ملزم به این خواهند دانست که با تبعیت از سلطان در جهت ارتقای معیشت مردم گام بردارند.

- نظارت و بازرسی مالی

نظارت در سیاست‌نامه و کنترل قدرت جایگاه مهمی دارد. (-Turk, 2017, 127) See: (151) نظام‌الملک، سیاست‌نامه را با هدف بیان شیوه فرمانروایی و در خطاب به سلطان نگاشته است؛ لذا در همه فصول سیاست‌نامه به بیان نکاتی می‌پردازد که در ارتباط با پادشاه و توأم با توصیه‌هایی در باب حکومت‌داری است. بدین ترتیب او در سراسر سیاست‌نامه از تخلفات منتسب به مردم سخنی به میان نمی‌آورد و هیچ‌گاه مردم مورد خطاب وی نیستند؛^۸ با این حال تنها در یک فصل مردم در مقام خطاکار قرار می‌گیرند و در همین جهت

^۸ حقوق بشر معاصر نیز، متضمن حق‌های افراد در برابر دولت است. کارکرد اصلی این نظام هنجاری محدود کردن قدرت دولت در برابر افراد است. در این فضا، دولت‌ها متعهد به تضمین حقوق بشر برای افراد هستند. البته این بدان معنا نیست که حقوق بشر در روابط بین افراد مطرح نمی‌شود. با وجود این فضای غالب در گفت‌وگو حقوق بشر، فضای تضمین حقوق افراد در برابر دولت است؛ فضایی که دولت را متعهد به تضمین حق‌ها می‌داند. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰: ۵۳)

خواجه نحوه مقابله با مردم متخلف را برای پادشاه مشخص می‌سازد و در همین جهت به مقام محتسب اشاره می‌نماید.

در اصطلاح دیوانی به کسی محتسب می‌گفتند که به کار بازار و کوی و برزن و خرید و فروش وضع اصناف از امور غیر شرعی و تقلب می‌پرداخته‌اند و عمل محتسب را حسبت می‌گفتند. ابن‌خلدون محتسبی را وظیفه‌ای دینی می‌داند و عنوان می‌کند محتسبی وظیفه‌ای دینی از باب امر به معروف و نهی از منکر است که بر عهده‌داران امور مسلمین واجب است. به عقیده ابن‌خلدون محتسب وظیفه انجام اموری را بر عهده دارد که از لحاظ تعمیر و سهولت اغراض قاضی از آن‌ها دوری می‌جوید و در حقیقت مقام محتسب زیردست مقام قاضی به شمار می‌آید. (نوری مجیری، ۱۳۹۴: ۲۵۳)

نظام‌الملک در قسمتی از کتاب به ضرورت وجود منصب محتسب و کارویژه‌های آن اشاره می‌نماید: «وهمچنین به هر شهری محتسبی باید گماشت تا ترازوها و نرخ‌ها راست می‌دارد و خرید و فروخت‌ها می‌داند تا اندر آن راستی رود، و هر متاعی که از اطراف آرند و در بازارها فروشند احتیاط تمام کند تا غشی و خیانتی نکنند و سنگ‌ها راست دارند و امر به معروف و نهی از منکر بجای آرند. و پادشاه و گماشتگان باید که دست او قوی دارند که یکی از قاعده مملکت و نتیجه عدل این است و اگر جز این کنند درویشان در رنج افتند و مردم بازارها چنان‌که خواهند خرید و چنان‌که خواهند فروشند و فضله‌جوی مستولی شوند و فسق آشکارا شود و کار شریعت بی‌رونق گردد.» (خواجه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۶۰) نظام‌الملک بر این باور است که اگر نظارتی بر بازار نباشد کم‌فروشی در بازار رواج می‌یابد، علاوه بر این، با عدم نظارت بر خرید و فروش، هرج و مرج بازار را فرا می‌گیرد و تعادلی بین اجناس و قیمت‌ها وجود ندارد؛ در نهایت فقرا فقیرتر و فاسقان فاسق‌تر می‌شوند و با رشد فساد اقتصادی، فرصت‌طلبان با سوءاستفاده از آشوب موجود بر بازار چیره می‌شوند، مضاف بر این در تمامی این موارد، موازین اسلامی به زیر پا گذاشته می‌شود.

نظام‌الملک در ادامه شرایط شخصی را که از نظر وی دارای صلاحیت لازم برای تصدی منصب محتسب است را بیان می‌دارد: «و همیشه این کار یکی از خواص را فرمودندی یا خادمی را یا پیر ترکی را تا هیچ محابا نکردی و خاص و عام از او بترسیدندی همه کارها بر انصاف بودی و قواعد اسلام محکم چنان‌که در حکایات آمده- است.» (همان، ۶۰) با توجه به وظایف سنگین این شغل؛ امانت‌داری، معتمد بودن، پاسخگو بودن، و تقوی از جمله ویژگی‌های شغلی محتسب به شمار می‌آید. از سوی دیگر، اطاعت از قانون و داشتن جامعه قانع از شروط اساسی و اولیه ثبات ملی و صلح بوده و باعث توسعه هر چه بیش‌تر جامعه می‌شود. علاوه بر این، او معتقد است که بخش غیرفعال جامعه نیز نیازمند توجه کافی است؛ زیرا نارضایتی این طبقه هم باعث افزایش مخالفین حکومت خواهد شد. (غزالی، ۱۳۸۵: ۱۵۸)

نظام‌الملک تجسس در امور مالی را از جمله تکالیف و واجباتی می‌داند که سلطان بایستی خود را مقید به انجام آن بداند: «بر پادشاه فریضه است در تفحص کردن عمال و معاملات و بدانستن دخل و خرج و نگاه داشتن اموال و ساختن خزینه‌ها و ذخیره‌ها.» (خواججه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۹: ۱۷۷) شناسایی چنین تکلیفی برای سلطان علاوه بر آن‌که نشانگر ضرورت آگاهی وی از کلیه امور است؛ یادآور مسئولیت نهایی سلطان در مقابل تخلفات واقع شده از سوی گماشتگان خویش است که از جانب او مأموریت به خدمت یافته‌اند.

۳. نتیجه‌گیری

نظام مالی اسلامی دارای اصول و قواعدی است که با هدف تکامل بشر شکل گرفته‌اند. در تاریخ حقوق مالی اسلامی، سیاست‌نامه‌ی نظام‌الملک، قواعد متعددی را بر مبنای شریعت اسلامی برای زمامداران بیان نموده‌است. این قواعد نشان دهنده‌ی اهمیت برخی مباحث و اصول مرتبط با نهادهای نظام مالی اسلامی است که در سیاست‌نامه مورد بحث قرار گرفته‌اند. با توجه به تعصبات مذهبی و دینی حاکمان سلجوقی و نظام‌الملک که منابع تاریخی

متعدد گویای آن است، اساس دیدگاه نظام‌الملک در رابطه با امور مالی که از تجربه سی ساله وی در راس امور اجرایی و سیاسی نشأت می‌گیرد؛ در بسیاری از موارد بر پایه شریعت و عقاید مذهبی وی و حاکمان سلجوقی که به مانند نظام‌الملک بر مذهب شافعی می‌باشند؛ استوار است.

با بررسی سیاست‌نامه با اصول و قواعدی مواجه می‌شویم که در تاریخ حقوق مالی اسلامی دارای سابقه و ارزش فراوان بوده‌اند؛ علاوه بر اینکه برخی از قواعد بحث شده، امروزه گاهی در حقوق مالی مدرن نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. نظام‌الملک در سیاست‌نامه بر موارد کلان نظام مالی اسلامی از جمله عدالت اقتصادی و امنیت اقتصادی تاکید بسیار دارد و به ویژه در رابطه با عدالت، آن را بن‌مایه کشورداری می‌داند و به طور مداوم بر ضرورت رعایت آن از سوی سلطان در ابعاد مختلف حکمرانی از جمله نظام مالی اهتمام می‌ورزد.

برخی از مواردی که نظام‌الملک در سیاست‌نامه در ارتباط با نظام مالی اسلامی بدان می‌پردازد به طور صریح نشأت گرفته از شریعت است. به‌طورمثال، در رابطه با نهادهای نظام مالی اسلامی، در شیوه نظارت و بازرسی بر امور مالی، از نهاد محتسب سخن به میان می‌آورد که از جمله نهادهای اسلامی به شمار می‌آید. همچنین، در رابطه با منابع مالی از نهاد اقطاع بحث می‌کند که از ابداعات پیامبر اکرم (ص) در صدر اسلام بوده و بر این اساس، ضوابطی را در جهت سامان بخشیدن و انسجام آن در پدنه نظام اجرایی تعیین می‌نماید. در برخی از موارد نیز به‌طورمستقیم از شریعت سخن نمی‌گوید اما بنا بر عقاید مذهبی خود، به‌طورضمنی از منابع اسلامی وام می‌گیرد؛ به‌طور مثال، در رابطه با شفافیت مالی، در نوشتن حساب مالی ولایت‌ها و در جهت جلوگیری از اختلافات بعدی عینا به مواردی اشاره می‌دارد که خداوند متعال در قرآن کریم به نوشتن حساب‌های مالی توصیه نموده‌است؛ یا با اشاره به ضرورت نظارت بر کم‌فروشی، به عنوان یکی از مصادیق غرر در معاملات، به شرح این اصل که یکی از اصول مهم نظام مالی اسلامی است می‌پردازد.

نظام‌الملک در سیاست‌نامه به اصول و مفاهیمی مانند شفافیت، اصل انصاف مالی، عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی، نظارت و بازرسی بر امور مالی و غیره براساس نظام مالی اسلامی می‌پردازد و در نهایت یک نظام مالی سامان یافته را ترسیم می‌کند که اگر قواعد و اصول تعریف شده‌ی آن توسط سلطان به کار گرفته‌شود و مطابق با آن به اداره امور مالی کشور بپردازد در نهایت با نظامی مواجه خواهد بود که رعیت، ضمن پرداخت خراج و مالیات بر شیوه‌ی انصاف، از رفاه و امنیت اقتصادی برخوردار و در سایه‌ی عدالت اقتصادی که از سوی سلطان بر کشور سایه افکنده، و با اقدامات شایسته حاکم در تعیین بازرسان ناظر بر اعمال کارگزاران، از جور و ستم عمال دور بوده و نیز با تکلیف دولت بر تامین رفاه آنان و گسترش آبادانی کشور، همواره خواهان بقای سلطان و حکومت او از درگاه خداوند متعال خواهند بود.

از سوی دیگر، در نظام سامان یافته‌ی مورد نظر نظام‌الملک، نهاد محاسب بر بازارهای مالی نظارت می‌نماید تا در راستای اجرای دستور خداوند از بروز فساد و کم‌فروشی در نظام مالی اسلامی ممانعت به عمل آورد؛ عمال و مقطعان دارای محدودیت زمانی در تصدی مناصب خود بوده و قدرت آنان بدین شیوه محدود و کنترل می‌گردد، بدین ترتیب سلطان دارای قدرت بسیار می‌گردد. به عبارت دیگر، در نظام به هم پیوسته‌ی مالی اسلامی مورد نظر نظام‌الملک ارتباط دوسویه و منطقی میان فرمانروا و فرمانبران جاری است و این هنر شخص حاکم است که بتواند با به کارگیری صحیح این اصول و قواعد، هم در راستای اهداف اسلام مبنی بر فراهم آوردن زمینه‌ی تعالی و تکامل بشر گام بردارد و علاوه بر تامین رفاه همگانی، آبادانی کشور، امنیت و عدالت اقتصادی در سرزمین تحت فرمان خود؛ زمینه پایداری حکومت خویش را فراهم سازد. چرا که اعطای پادشاهی به سلطان موهبت الهی بوده و بر این اساس اگر سلطان قادر نباشد رضایت مردم را کسب نماید حکومت او پایدار نمی‌ماند و خود به عقوبت الهی دچار می‌شود.

آنچه در این نوشتار ارائه گردید تنها واکاوی یک متن تاریخی مهم در منابع اسلامی و تاریخی است. قواعد بنیادینی که نشان می‌دهند چگونه این اصول در بستر تاریخی شکل گرفته و تطور یافته‌اند.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر (۱۳۷۰). *الکامل فی التاریخ*، ترجمه سیدمحمدحسین روحانی، جلد ۱۰، تهران: اساطیر.
۳. اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۳). «اکل مال به باطل در پیش فقهی شیخ انصاری»، فصلنامه کاوشی نو در فقه، شماره ۱. صص ۱۲۷-۱۲۶.
۴. افشار، بهروز (۱۳۹۲). «بازشناسی ده فرمان در تورات و قرآن پس از قرون وسطا». فصلنامه معرفت ادیان، شماره ۲۵. صص ۲۵-۳۸.
۵. امیدسالار، محمود (۱۳۷۳). «مفهوم عدالت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک-طوسی»، مجله ایرانشناسی، شماره ۱. صص ۵۲-۶۶.
۶. انوری، حسن (۱۳۹۵). «دیوان استیفا در حکومت غزنویان و سلجوقیان»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۴۹. صص ۳۱-۵۰.
۷. بنداری اصفهانی (۱۳۵۶). *زبده‌النصره و نخبه‌العصره*، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
۸. بهزادی، مرضیه (۱۳۹۵). «اندیشه‌های سیاسی خواجه نظام‌الملک طوسی»، جندی شاپور، شماره ۶. صص ۱۵-۳۳.
۹. موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۹۴). *تاریخ جامع ایران*، جلد ۱۳، چاپ اول، تهران: بنیاد دائره‌المعارف بزرگ اسلامی

ده فرمان مالی اسلامی؛ تأملی بر برخی قواعد و اصول نظام مالی اسلامی بر اساس مشهدی و غنی کلهو ۳۱۷

۱۰. حاج بابایی، محمدرضا؛ محمود شهبندی (۱۳۹۱). «ابعاد فساد از دیدگاه خواجه- نظام الملک طوسی». فصلنامه سیاست، شماره ۲. صص ۵۹-۷۵.

۱۱. حمیدیان، علیرضا؛ علی شکاری بادی (۱۳۹۶). واکاوی اندیشه توسعه در تفکر خواجه نظام الملک، دومین همایش بین المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه، تهران، دانشگاه اسوه، دانشگاه تهران

۱۲. خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، «تاریخ دسترسی»: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲
lorestan.iqna.ir

۱۳. خزایی، زینب؛ مرجان یزدان پور (۱۳۹۴)، «مالیات های اسلامی و جایگاه آن در تامین منابع مالی»، مجله اقتصاد، شماره ۳ و ۴. صص ۸۹-۱۱۰.

۱۴. خواجه نظام الملک طوسی (۱۳۸۹)، سیرالملوک (سیاست نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

۱۵. دلیر، نیره (۱۳۸۸)، مشرووعیت و قدرت از دیدگاه خواجه نظام الملک طوسی، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی

۱۶. دلیر، نیره (۱۳۹۵)، «وظایف، کارکردها و قواعد براساس رویکرد اندرزنانه های دوره میانه با تاکید بر سیرالملوک»، جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۱. صص ۱۲۵-۱۴۰.

۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. ج یازدهم. چ دوم. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۸. ربانی نژاد، مهدی (۱۳۹۰)، فره ایزدی در اندیشه سیاسی ماوردی و خواجه نظام- الملک، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۱۹. صابری‌زاده، بهنام (۱۳۹۵)، مقایسه خاستگاه‌های نظام سیاست‌گذاری در سیاست-
نامه خواجه‌نظام‌الملک طوسی با بوروکراسی در ایران معاصر، پایان‌نامه کارشناسی-
ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
۲۰. صادقی‌شاهدانی، مهدی؛ حسین محسنی (۱۳۹۲)، بایسته‌های نظام مالی اسلامی در
الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۲، صص
۳۸-۷.
۲۱. صدقی، ناصر (۱۳۸۷). «تحلیلی بر سیاست‌های اقتصادی دولت سلجوقی در زمینه
نظام مالیاتی»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۷۱، صص ۳۱-۵۰.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المکتبه
المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه
۲۳. غزالی، عیدیت (۱۳۸۵)، اندیشه‌های اقتصادی نظام‌الملک طوسی، ترجمه احمد
شبیانی، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق.
۲۴. غفاری، هادی؛ اصغر ابوالحسنی (۱۳۸۹). تاریخ اندیشه‌های اقتصادی متفکران
مسلمان، چاپ اول، تهران: پیام نور
۲۵. فیض‌آبادی، سیده فاطمه (۱۳۹۱). بررسی شخصیت و عملکرد خواجه‌نظام
الملک طوسی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد
تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۲۶. قاری‌سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۰). حقوق بشر در جهان معاصر؛ درآمدی بر
مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، چاپ سوم، تهران: موسسه مطالعات
و پژوهش‌های حقوقی شهردانش

ده فرمان مالی اسلامی؛ تأملی بر برخی قواعد و اصول نظام مالی اسلامی بر اساس مشهدی و غنی کلهو ۳۱۹

۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). «عدالت و حقوق بشر»، فصلنامه حقوق، شماره ۳. صص ۳۲۳-۳۳۱.

۲۸. کلونز، کارلا (۱۳۶۳). دیوانسالاری در عهد سلجوقی، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: سپهر

۲۹. لمبتن، آن (۱۳۹۶). تداوم و تحول در تاریخ میانه، ترجمه یعقوب آژند، چاپ پنجم، تهران: نشر نی

۳۰. متفکر آزاد و دیگران (۱۳۹۸). «نقش و کارایی دولت جمهوری اسلامی ایران در تحقق عدالت اقتصادی در سه دهه اخیر (با استفاده از رهیافت TVP)»، مدیریت بهره-وری، شماره ۴۸، صص ۲۷۷-۳۰۲.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲). تفسیر نمونه، جلد ۴، تهران: دارالکتب اسلامیة

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲). تفسیر نمونه، جلد ۱۱، تهران: دارالکتب اسلامیة

۳۳. موسوی، سید محمد صادق؛ ریسی، روح اله (۱۳۹۷). تحلیل فقهی و اخلاقی ریسک-تجاری و مقایسه آن با غرر با تاکید بر قواعد عام در درآمدزایی مخاطره، پژوهش-های اخلاقی، شماره ۴. صص ۲۴۵-۲۲۵.

۳۴. نوری مجیری، مهرداد (۱۳۹۴). «تحولات نظام دیوانسالاری در ایران». تاریخ پژوهی، شماره ۶۴. صص ۲۴۳-۲۷۷.

۳۵. نیاورانی، صابر؛ ایزدی، اکبر (۱۳۹۷). «جایگاه حق بر حداقل رفاه اجتماعی در نظام بین المللی حقوق بشر». مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۹. صص ۱۷۱-۲۰۴.

۳۶. یعقوب زاده، زهرا (۱۳۹۲). سیاست های اقتصادی-عمرانی خواجه نظام الملک-طوسی، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۳۲۰ ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

۳۷. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۷). *نظام اقتصادی علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۳۸. یوسفی‌راد، مرتضی (۱۳۸۳)، «متدولوژی سیاست‌نامه نویسی»، *علوم سیاسی*، شماره ۲۳. صص ۱۲۳-۱۳۴.

39. Bovens, Mark, Robert E. (2014). Goodin, and Thomas Schillemans, Eds. **The Oxford handbook public accountability**. Oxford University Press.
40. Kuşakcı, Sümeyye, and N. Öykü İyigün. (2017). "An Ethical Administration Trilogy: The Concepts of Integrity, Justice, and Benevolence Based on KutadguBilig and Siyasat-Nama." *Is Ahlakı Dergisi* 10.1:115.
41. JAFRI, S. W. H. (1992) Problems Of Saljuqid Administration As Reflected In Siyasat Nama (SUMMARY). *In Proceedings of the Indian History Congress*. Indian History Congress.
42. Lange, Christian. (2011) "Sitting by the ruler's throne: Al-Ghazali on justice and mercy in this world and the next." 131-148.
43. Siddiqi, Muhammad Nejatullah. (1982). *Recent Works on History of Economic Thought in Islam: A Survey*. International Centre for Research in Islamic Economics, King Abdulaziz University.
44. Simidchieva, M. (2014). "Kingship and Legitimacy in Nizam Al-Mulk's Siyasatnama, Fifth/Eleventh Century" *Writers and Rulers: Perspectives on Their Relationship from Abbasid to Safavid Times*. 97-131.
45. Turk, H. Bahadir. (2017). "The Problem Of Checking The Political Power In The Tradition Of Siyasat-Nama: The

۳۳۱ ده فرمان مالی اسلامی؛ تأملی بر برخی قواعد و اصول نظام مالی اسلامی بر اساس؛ مشهدی و غنی کلهلو

Case Of Nushatu's-Selatin". *AMME IDARESI DERGISI*, 50
(3), .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی